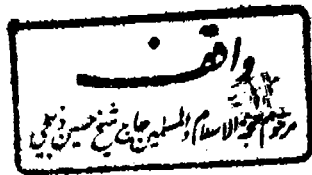


۵۱۲
۱۷۵



هو
۵۴۱۵۳
بلاغ تحریر ۱۷/۱۱/۷۲

نام خدای و انا و توانا

فروع علم

شماره دوم

اردیبهشت ۱۳۲۹

رژیم اسلامی در يك وبع قرن

در شماره پیش بخوانندگان گرامی وعده دادیم، نظر خود را در پیرامون رژیم اسلامی، در این شماره بیان کنیم. بطوریکه ملاحظه شد نتیجه گفتارهای آقای دکتر طه حسین این بود که رژیم اسلامی، رژیم عربی خالصی بوده وبایه آن بر اساس نژاد وملیت استوار شده بود. این رأی نهائی و آخرین نظریه ای بود که آقای دکتر پس از رد آراء گوناگون در پیرامون این مسئله ابراز کرد... لیکن تحقیق وبررسی کامل در چگونگی رژیم اسلامی ومقایسه آن با حکومت های پیش از تشکیل حکومت اسلام نشان میدهد، نارساترین نظریه اینست که بایه نظام اسلامی را بر اساس نژاد ورسوم عربی استوار بدانیم و هر گاه عقیده تنوع کراسی ویادمو کراسی بودن آن دور از حقیقت باشد. اظهار نظر اخیر بر مراحل از واقع دورتر خواهد بود. برای اینکه بدانیم آیا رژیم خلافت ابوبکر وعمر وعثمان بر اساس ملیت عربی بوده، یا نه بایستی ابتدا در رژیم حکومت های که در مناطق مختلفه جزیره

شماره مسلسل ۴۹

- ۱ -

این کتاب از جمله کتاب های است که در این شماره در ۱۸ روبرو ۷۴ برابر ۳ اربع الاز ۱۴۱۶ ابراه و دهنده است

دو دفتر آن در علم جنبه الهام ما به تاریخ منی زبھی مسکد

کتابخانه هیئت

مصدر
کتابخانه

فروغ علم ————— رژیم اسلامی

العرب پیش از ظهور اسلام وجود داشته دقت کرد ، آنگاه حکومت اسلامی را با نظام آن حکومتها مقایسه نمود .

اگرچه اطلاع مفصلی از چگونگی اداره این دولتها در دست نیست ولی رویهمرفته مسلم است که نظام اجتماعی دولت‌های مانند حمیر ، کنده ، غسان و مانند اینها بر اساس حکومت فردی مستبدانه بوده و سلطنت بورانت از پادشاهی بفرزندوی انتقال مییافته است

درین نظامی شبیه نظام فتودالیتة اروپا در قرون وسطی برقرار ، و شیوخ و اشراف در قطعات مختلفه این سرزمین حکومت خودمختاری داشته اند . عنوان شیخ و رئیس قبیله نیز موروثی بوده .

در مکه شغل‌های حساس و مهم را رؤسای خانواده‌های بزرگ در دست داشتند و این مشاغل از پدری به پسر وی بارت میرسید تاریخ متذکر است ابوسفیان که از اشراف قریش بود ریاست قشون و فرماندهی جنگ را بعهده میگرفت . در یثرب و طائف نیز حکومت با طبقه اشراف بود . قرآن در این مورد اشاره میکند **لولا نزل هذا القرآن علی رجل من القریتین عظیم** . در شهر یثرب طایفه خزرج نیرومندترین دو فامیل موجود در این شهر اندکی پیش از ظهور اسلام عبدالله بن ابی بنی اسلول را به پادشاهی انتخاب کرده بودند ،

وقتی نظام شهری بر پایه حکومت اشرافی و استبدادی بوده و حکومتها زمام را بورانت بدست بگیرند حال نظام بیابانی و اجتماع قبایل نیز معلوم است .

شیوخ و خوانین و رؤسای قبیله و مالکین عمده در داخل حوزه خود هر گونه اقدار و نفوذی داشتند . رؤسا در کار خویش مطلق العنان بوده و کسی اختیار عزل و نصب آنها را نداشت .

این فهرستی از نظام عربی در مناطق مختلف شبه جزیره عربستان بوده است . حال باروشن شدن زمینه این حکومتها آنها را با حکومت اسلامی در دوره خلافت خلفا که مورد نظر ما است مقایسه میکنیم ،

مسلم است که شخص ابوبکر و عمر از طبقه اشراف مدینه نبودند و فامیل یا خود آنها مشاغل حساسی بعهده نداشتند . از طرف پیغمبر اسلام نیز کوچکترین دستوری چه بطور صریح و چه بکنایه درباره زمامداری این دو نفر ابراز نشده بود و ابوبکر حکومت را بورانت بعهده نگرفت بلکه

————— شماره مسلسل ۵۰ —————



رژیم اسلامی فروغ علم
 همه میدانیم. عده ای از افراد باو پیوستند و بقیه نیز بآنها گرویدند پس از
 مرگ ابوبکر پسران وی بزمامداری نرسیدند و عمر نیز که از طرف ابوبکر
 کاندید خلافت بود بارث این منصب را نیافت و چنانکه نوشته اند عثمان عهدنامه
 ابوبکر را ب مردم نشان داد و گفت با کسیکه در این نامه نوشته شده بیعت
 میکنید یا نه؟ گفتند آری.

گذشته از اینکه این طرز حکومت در تمام مناطق جزیره العرب بی
 سابقه بود. خلفا در رفتار و کردار خود آزادی مطلق نداشتند و اجازه
 اتخاذ تصمیم خودسرانه بآنها داده نمیشد. زیرا از طرفی مجبور بودند، از
 دستور قرآن و گفته های پیغمبر (ص) پیروی کنند و از طرف دیگر از بزرگان
 صحابه و رجال صدر اسلام مشورت میخواستند.

نوشته اند، روزی عمر در ضمن سخن رانی خود گفت اگر من در
 روش خود راه کج بروم چه می کنید؟ مردی گفت باشمشیر راست میکنیم
 عمر در مقابل این پاسخ نه تنها اعتراض نکرد، بلکه گفت خدا را شکر
 میکنم که مسلمانان تا این اندازه مراقب من هستند، باز می بینیم، اسلام
 در موارد بسیاری با عادات ملی، امتیازات نژادی، تعصب فامیلی و بالاخره
 با آنچه که موجب جدائی و ایجاد اختلاف بین عموم مسلمانان باشد مبارزه
 نموده تمام مردم را در برابر قانون متساوی میداند و این تساوی حقوق در
 رژیم هایی که پایه آن بر اساس ملیت و نژاد باشد وجود ندارد، اکنون پس
 از ذکر این نظریه های گوناگون که اغلب بلکه همه آنها خالی از ایراد
 نبودند اگر بخواهیم رژیم اسلامی را در دوران خلافت ابوبکر و عمر و عثمان
 بسا یکی از رژیم هایی که در دنیای امروز وجود دارد، مقایسه کنیم
 میتوان گفت این نظام بجمهوری نزدیکتر است. تنها خرده ای که
 بر این مقایسه میتوان گرفت، اینکه رئیس جمهور از طرف آحاد ملت انتخاب
 می شود. در صورتیکه ابوبکر را عده کمی انتخاب کردند و عمر از طرف
 ابوبکر انتخاب شد و عثمان با کثرت سه رأی موافق در برابر دور رأی
 مخالف بزمامداری رسید این ایراد اگرچه بنظر بدوی درست است
 ولی باید متوجه بود که فقدان وسایل انتخابات و عدم تمکن از استفساء و
 مراجعه به آراء عمومی چنین اشکالی را پیش آورده و جز این راهی نداشتند
 طبقه مهاجر و انصار یا اوستوگرتها بیکه فضیلت و پاکدامنی آن ها
 موجب پیش افتادگی شان شده بود در آغاز با خلیفه بیعت میکردند، آنگاه
 فرمانداران و حکومت های شهرستانها موظف بودند بآراء عمومی مراجعه

فروغ علم ————— رژیم اسلامی

نموده ، از آحاد مسلمانان برای خلیفه تازه بیعت بگیرند و همان اخذ بیعت بمنزله رأی بود که برای تعیین رئیس جمهور در صندوق انتخابات ریخته می شود .

باز باید بیک نکته توجه داشت که زمامداری این خلفا غیر مشروط و مادام العمر نبوده بلکه ملت تاوقتی برپیمان خود باقی بوده است که خلیفه مصالح خود و فامیلش را بر مصلحت مسلمانان مقدم ندارد ، چنانکه می بینیم در دوره حکومت عثمان که مقدمات خودسری و دیکتاتوری را ایجاد کرده بود و بیت المال مسلمانان را تیول خود و فامیلش قرار داد مسلمانان خلافت وی را نامشروع دانسته و بر علیه او قیام کردند و اقدام آنها بقتل عثمان منتهی گشت .

و باز تاریخ متذکر است، هنگامی که معاویه خواست یزید را بولایت عهدی انتخاب نموده و حق نظارت در کار خلفا را از مردم سلب و رژیم سلطنت مستبدانه را برقرار سازد با تفر و انضجار شدید رجال صدر اسلام روبرو شده ، از گوشه و کنار نغمه های مخالف بلند شد و معاویه مجبور گردید با اشاره سیاستمداران معروف آنروز با تشکیل مجلسی شبیه مجلس مؤسسان که اعضای آن عموماً جیره خور و دست پرورده های بنی امیه بودند و با برقراری حکومت نظامی در دمشق مقصد خود را عملی سازد و باز ازدلالی که نظارت ملت را در کار زمامداران اثبات میکند امر بمرعوف و نهی از منکر است و این خلفا برای ارضاء تمایل مردم هم که بود مجبور بودند گفته های مردم را که تحت یکی ازین دو فرع عنوان میشد بپذیرند .

این خلاصه نظریه ما در پیرامون رژیم اسلامی در چنین دوره بود و البته باید توجه داشت که این قضاوت تنها در پیرامون حکومت موجوده در آن عصر بوده .

بدترین مردم

بدترین مردم کسی است که از شر او بترسند، و به نیکیش امید نداشته باشند و بدتر از او کسیست که آخرت خود را بدنیای دیگری بفروشد و بدتر از آن کسیست که بنام دینی از دنیا بهره مند شود .

(حضرت محمد ص)

